

ادامه از صفحه اول

هشدارهایی برای نشنیدن راه‌حلهایی برای نگفتن!

اما موضوع کسر بودجه که حرف حقی است و همه از راست راست تا چپ چپ به حرف‌های آقای دکتر طیبیان اذعان دارند.
خب! راه‌حل چیست؟ آیا راه‌حلی داده شده است و آیا همه‌زمان با راه‌حل تبعات آن راه‌حل هم ارائه شده است؟ درباره احساس نابرابری و نظرات دکتر غنی‌زاد که آن‌هم درست است، چه راهی پیشنهاد شده است. آیا حاکمیت اقتصاد آزاد می‌تواند این احساس را از مردم بگیرد و آیا اگر فرض کنیم همه ابعاد اقتصاد آزاد (منهای رانت و حقوق نجومی و ثروت‌های بادآورده) حاکم شود، این احساس از مردم گرفته می‌شود؟ درباره نظرات صائب آقای دکتر نیلی باید گفت ایشان در مقام مشاور اقتصادی ریاست‌جمهور و از نزدیک‌ترین افراد به ایشان در مدت مسئولیت چه راه‌حل‌هایی ارائه داده‌اند و آیا تبعات آن را هم ذکر کرده‌اند.
هریک از راه‌حل‌ها تبعات بسیار درخورتوجهی دارند که غفلت از آنها موجب بروز حوادث جدید می‌شود. به طور مثال راجع به کسر بودجه کشور چه کنیم؟ در بودجه درآمدهایی در مقابل هزینه‌ها ذکر می‌شود. کدام درآمد‌ها اضافه شود و تبعات آن چیست؟ وقتی به کاهش هزینه‌ها می‌رسیم می‌گویند کمک به مؤسسات مذهبی و فرهنگی و مشابه آن را کم کنید که البته رقم بسیار ناچیزی نیست. آیا می‌توان بودجه آموزش و پرورش، دفاع، بهداشت و آموزش عالی را کم کرد؟ این نهاده‌ها که دائم از کسر بودجه و حقوق ناچیز کارمندان می‌نالند و همه هم می‌گویند حقوق کارگزاران این بخش‌ها کم است! آقایان اقتصاددانان علاوه بر ابراز مشکلات، راه‌حل و تبعات اقتصادی و اجتماعی آن را بازگو کنند؛ برای سال‌هاست برخی از همین اقتصاددانان می‌گویند بهره بانکی را باید پایین آورد یا به سپرده‌ها بهره نداد. بلافاصله پاسخ می‌شوند که مردم پولشان را وارد فعالیت‌های دیگر می‌کنند و تورم در جامعه بسیار زیاد می‌شود یا پولشان را از بانک‌ها بیرون می‌کشند.این خلاصه‌ای است در نقش اقتصاددانان و روشنفکران که نقش خود را با وجود هشدارهایی که داده‌اند، به اجرا نگذاشته‌اند.
حال سراغ حاکمیت یعنی مجلس، دولت و مجمع تشخیص مصلحت می‌رویم ونقش آنان را جست‌وجو می‌کنیم.نقش مجلس هم شبیه نقش اقتصاددانان شده است؛ نقش‌های آتشین پیش از دستور درحالی‌که در مجلس همه‌همه است، شعار و نشان دادن پارچه‌نوشته و مانند آنها به‌جای ارائه بحث‌های کارگشا،کسب‌وکار مجلس شده است. اگر دولت اشتباهاتی دارد باید در مجلس ناظر، به آن پرداخته شود و منطقی اما قاطعا خواستار اصلاح شوند.سؤال از رئیس‌جمهور یکی از تابوهای کشور شده است. رئیس‌جمهور هم مانند دیگران به‌جای حرف‌زدن با مردم و مطرح‌کردن مشکلات یا راه‌حل‌ها و درخواست کمک از مردم، خطبه می‌خواند و حکم می‌دهد. مگر نخست‌وزیر انگلستان دائم در مجلس عوام حضور ندارد؟ در مجلس هم وقتی وزرا می‌روند گروهی داد و فریاد راه می‌اندازند. همه تابع آن شده‌اند که در ضرب‌المثل است؛ یعنی «دستش نزن بدتر می‌شود» همه تاج جریان جاری هستند و اگر هم گاهوبگاه راه‌حل‌هایی ارائه می‌دهند، تبعات آن را ذکر نمی‌کنند. نه اقتصاددانان و جامعه‌شناسان و نه حکومت‌مردان. باید به استقبال راه‌حل و تبعات آن رفت، حقایق را عریان به مردم بازگو کرد و از آنان کمک خواست نه آنکه در شرایط سخت تحریم و چالش با بیگانگان دائم از طریق رسانه‌ها، در نماز جمعه‌ها، تریبون‌های مجلس و وزرا به مردم وعده معیشت بهتر و سرفه پربارتر بدهیم وآخر آنکه به فرمایش قرآن توجه کنیم که «لم نقولن ما لاتفعلون کبر مقنا عند الله ان تقولو ما لا تفعلون/ چرا از آنچه نمی‌توانید به عمل بیاورید صحبت می‌کنید» بزرگ‌ترین گناه نزد خداوند آن است که از آنچه نمی‌توانید به فعل برسانید سخن بگویید.

چهره‌ها در شاهنامه (۴)

...او را بسیار ستودند که دلیرانه به مبارزه آن مستکارمرد آمده است و فریدون پاسخ داد: «من فرزند آن آبتین پاک‌اندیش هستم که ضحاک او را از ایران‌زمین به ناپاکي بگرفت و اکنون آدم‌ها تا ایران را از آن خون‌خوار جوان‌کش برانم». دختران جمشید گفتند که از بیم هلاک رام ضحاک شده بودند و دیگر بانوان شهبان ضحاک شکوه‌ها داشتند از رفتارهای جادوانه ضحاک و گفتند که اکنون او به هندوستان رفته است تا جادویی بیاموزد. در غیبت ضحاک، همواره مردی به نام کندرو امور کشور را بر عهده می‌گرفت و کندرو چون به بارگاه ضحاک آمد، فریدون را بر اورنگ آن اژدهاوش بدید، اسیمه‌سر خود را به هندوستان رساند و آنچه به مشاهده دیده بود، بازگفت. ضحاک به خشم آمده، شتابان با سیه‌گران که همه از نرده‌یوان بودند، به ایران بازگشت. سپاه فریدون چوگاه شد که ضحاکیان در راه‌اند، در کمین‌گاه راه بر آنان بست و مردم نیز شهر که از ضحاکیان خشمگین بودند، به یاری فریدون آمدند.

همه در هوای فریدون بُدند، که از درد ضحاک پر خون بُدند/ ز دیوارها خشت و از بام سنگ، به کوی اندرون تیغ و تیر و خندگ فریدون چون با ضحاک مواجه شد، با گرز گاسر بر-کلاخود ضحاک کوفت و به فرمان سروشی، دو دست او به‌گونه‌ای بست که پیل زیان نیز نتواند بکشد!د و آن‌گاه ضحاک را با دست‌های بسته بر بسی نشاند، به سوی شیرخان بردند و از آنجا به کوه دماوند و در کوه در غاری به بند کشیدند.

شرق: نامه‌ای که در صحن علنی مجلس توزیع شده بود، منتشر شد؛ نامه علی‌ مطهری به مقام معظم رهبری که در نطقش هم به آن اشاره کرده بود. تبدیل‌شدن تدریجی مجمع تشخیص مصلحت نظام به بن‌بست مصوبات مجلس، محور این نامه است. نماینده تهران بعد از «اهدای سلام و آرزوی سلامتی» برای مقام معظم رهبری در این نامه نوشته است: «درخصوص روشی که برای انطباق مصوبات مجلس با سیاست‌های کلی نظام عمل می‌شود، به نظر می‌رسد که این روش برخلاف قانون اساسی است». مطهری در ادامه این نامه که در ایسنا منتشر شده است، نوشته: «مصوبه مجلس را فقط شورای نگهبان می‌تواند از نظر انطباق با شرع و قانون اساسی بررسی کند و نظر بدهد. اینکه شورای نگهبان به استناد نظر مجمع تشخیص مصلحت عدم انطباق با سیاست‌های کلی را بدون آنکه نظر خودش باشد خلاف قانون اساسی به شمار می‌آورد، محل بحث است».

مجمع میان نظر خود و مجلس قضاوت می‌کند

مطهری در آخرین جلسه علنی هفته جاری، در نطق خود درباره این نامه صحبت کرد. او حتی گفت نمایندگان مجلس برای بررسی این موضوع در جلسه غیرعلنی به هیئت‌رئیس‌ه نامه نوشتند. با این همه، به گفته مطهری نامه‌ها «ترتیب اثر داده نشده» است.
مطهری درباره سیاست‌های کلی نظام نوشته: «سیاست‌های کلی عین قانون اساسی یا متمم قانون اساسی نیست که مغایرت با آن به معنی مغایرت با قانون اساسی باشد و اینکه مجمع مصوبه مجلس را از نظر انطباق با سیاست‌های کلی بررسی می‌کند و ایراد می‌گیرد و شورای نگهبان هم صرفا به‌عنوان یک رابط به مجلس ارسال می‌کند، مشکل وحدت قاضی و طرف دعوا را ایجاد کرده است؛ زیرا در جایی که مجلس بر نظر خود اصرار بورزد، مسئله به مجمع ارجاع می‌شود و مجمع باید میان نظر خودش و نظر مجلس قضاوت کند!».
مطهری پیش‌تر نیز به این نکته اشاره کرده بود؛ او حتی گفته بود: «استناد به بند دوم اصل

سیاست

نامه مطهری به مقام معظم رهبری درباره مجمع تشخیص مصلحت نظام:

سیاست‌های کلی عین قانون اساسی یا متمم قانون اساسی نیست



۱۱۰ قانون اساسی برای اینکه مغایرت با سیاست‌های کلی به معنی مغایرت با قانون اساسی است، استناد درستی نیست؛ چون سیاست‌های کلی عین قانون اساسی نیست و متمم قانون اساسی هم نیست و مردم زمانی که به قانون اساسی رای دادند، هنوز سیاست‌های کلی در کار نبود؛ این مسئله‌ای است که پیدا شده است». او در نامه خود به رهبری درباره راه‌حل این مسئله نوشته است: «آقایان به آیین‌نامه مجمع استناد می‌کنند درحالی‌که آیین‌نامه نمی‌تواند خلاف قانون اساسی باشد، راه‌حل این است که مجمع حق دارد در حین بررسی لایحه یا طرحی در مجلس نظرات خود را در کمیسیون مربوط و حتی صحن مجلس بیان کند، ولی وقتی که تبدیل به مصوبه مجلس شد، دیگر حق بررسی آن و ورود به روند قانون‌گذاری را ندارد».

در آستانه خودتخریمی

مطهری در پایان نامه خود خطاب به مقام معظم رهبری نوشته است: «مستدعی است برای حل این مشکل که باعث متوقف‌شدن برخی مصوبات مجلس شده است، دستور مقتضی صادر فرمایید». مهم‌ترین مصوباتی که مطهری به آن اشاره می‌کند، دو لایحه مرتبط

جبهه حدادعادل و محسن رضایی مجوز گرفتند جبهه‌بازی در اصولگرایی

شرق: جبهه پیروان خط امام و رهبری، جبهه سوم،

جبهه ایستادگی، جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی، جبهه شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی و... اینها نام برخی از جبهه‌های درون جریان اصولگرایی است که دوتایی آنها تازه دیروز مجوز فعالیت گرفته‌اند. برخی به کما رفته و برخی دگر دیسی کرده‌اند و بدون اینکه منحل شده باشند در قالب یک جبهه جدید درآمد‌ه‌اند. جبهه‌های اصولگرایی اصولا منحل نمی‌شوند، بلکه از جبهه‌ای به جبهه دیگر درمی‌آیند.

دبیر کمیسیون ماده ۱۰ احزاب دیروز گفته است که جبهه شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی مشکل از احزاب جمعیت پیشرفت و عدالت، جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی، جمعیت انقلاب اسلامی، جمعیت جانبازان انقلاب اسلامی و حزب توسعه و عدالت است که مقام پاسخ‌گویشان آقای حدادعادل است و جبهه ایستادگی هم مشکل از حزب توسعه و عدالت، حزب سبز، حزب نیک‌اندیشان، جامعه جوانان متحد و تشکل اسلامی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان لرستان است. این دو جبهه می‌توانند با گستره ملی و برای فعالیت سیاسی - اجتماعی و به مدت نامحدود فعالیت کنند. این گفته دبیر کمیسیون ماده ۱۰ در حالی است که جبهه ایستادگی نزدیک به ۱۰ سال است که تشکیل شده، ولی نه فعال است و نه تاکنون به دنبال مجوز بوده. جبهه ایستادگی ایران اسلامی در ماه‌های پایانی سال ۱۳۸۹ به پیشنهاد و ابتکارعمل محسن رضایی تشکیل شد. این جبهه شرایط پس از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۸ و آثار و عوارض بداخلاقی‌های آن دوران، سوءتعبیر و برداشت‌های اولیه تا حد مقابله با نظام و شکل‌گیری جریان فتنه، روز جریان‌های انحرافی، وضعیت اقتصادی و فرهنگی کشور، شرایط پرتلاطم منطقه‌ای و فرمانطق‌های، وعده نال‌آمن به چشم‌انداز در افق

انتخابات مجلس ثبت‌نام کرده. اما چهره اصلی پشت‌برده این جبهه حدادعادل است که تا جایی دبیر کمیسیون ماده ۱۰ هم بدون اشاره به سمت حداد در این جبهه، او را مقام پاسخ‌گو نامیده است. جبهه پیروان خط امام و رهبری را به نظر یکی از قدیمی‌تریس و درعین‌حال خثنی‌تریس ائتلاف‌های اصولگرایی است که اگرچه دبیرکل و سخنگو دارد و مدعی است که از ۱۷ گروه سیاسی اصولگرا تشکیل شده، اما نقش و حضوری حداقلی در سیاست‌ورزی اصولگرایی در این سال‌های اخیر داشته است. حبیب‌الله عسگر‌اراولادی، دبیرکل این جبهه بود. پس از درگذشتش، نایب‌رئیس این جبهه؛ یعنی محمدرضا باهنر، ریاست این تشکل سیاسی را برعهده گرفت. همچنین سیدکمال‌الدین سجادی، سخنگوی این تشکل سیاسی است. حزب مؤتلفه اسلامی، جامعه اسلامی مهندسین، جامعه اسلامی دانشجویان، جامعه اسلامی کارمندان، جامعه اسلامی کارگران، جامعه اسلامی فرهنگیان، جامعه اسلامی ورزشکاران، جامعه اسلامی نمایندگان ادوار مجلس، جامعه زینب، جامعه پیروان زینب، اتحادیه انجمن‌های اسلامی اصناف و بازاریان کشور، کانون اسلامی فارغ‌التحصیلان شبه‌قاره، تشکل فاطمیون، جمعیت اسلامی فرهنگیان و جامعه اسلامی جوانان اعضای این جبهه‌اند.اخیرا یک جبهه دیگر هم تحت عنوان جبهه سوم از سوی پدر داماد محمود احمدی‌نژاد تشکیل شده است که کاملا خاستگاه اصولگرایی دارد، اما مدعی جریان سوم است. احمد خورشیدی، پدر داماد احمدی‌نژاد، تشکل جدیدی به نام «جبهه سوم» اخیرا گفته بود که ائتلافی تحت عنوان «جبهه سوم» با حضور ۱۲ تشکل سیاسی با محوریت خودش در تهران اعلام موجودیت کرده است. خورشیدی گفته بود که هدفش برای انتخابات زمستان آتی شکستن ساختار قدیمی و دوقطبی (اصولگرا و اصلاح‌طلب)

«نورنیوز» به این پرسش پاسخ می‌دهد

چرا آمار کشته‌شده‌های حوادث اخیر اعلام نشده است؟

بلکه مصرانه و با جدیت درپی روشن‌شدن ابعاد مختلف ماجراست تا کمترین حقی از شهروندانی که متأسفانه در این قضایا جان خود را از دست داده‌اند و به تبع آن خانواده‌هایشان تضییع نشود. در همین خصوص می‌توان به نامه دبیر شورای عالی امنیت ملی به مقام معظم رهبری و کسب تکلیف از ایشان اشاره کرد. در نامه یادشده که قبلا متن آن و پاسخ رهبری معظم در رسانه‌ها منتشر شده است، با توجه به اهمیت موضوع، پیشنهادهای دقیقی مطرح شده بود تا در صورت تأیید، در مینا میان جان‌باختگان مختلف در رخداد‌های اخیر تفکیک صورت گرفته و تکلیف هریک متناسب با دلیل و نحوه کشته‌شدن روشن شود.

در واقع، اگر قرار بود حاکمیت هیچ‌گونه مسئولیتی را در قبال کشته‌شدگان نپذیرد، می‌توانست در اقدامی عاجل نسبت به اعلام آمار مربوطه اقدام کند؛ اما دستور و تأکید رهبری مبنی بر رعایت دقت و رافت اسلامی در شناسایی و نحوه رسیدگی به موضوع کشته‌شدگان و خانواده‌های آنها، ضرورت بررسی دقیق وضعیت کشته‌شدگان را اجتناب‌ناپذیر کرده و بالطبع فرایند کار را طولانی می‌کند.

در نامه دبیر شورای عالی امنیت ملی خطاب به رهبر معظم انقلاب، کشته‌شدگان به چند گروه تفکیک و پیشنهاد شده بود بنا بر چارچوب‌های قانونی موجود (قانون تعیین مصادیق شهید و شهدادت)، شهروندان عادی که بدون داشتن هیچ‌گونه نقشی در اعتراض‌ها و اغتشاش‌های اخیر و در میانه درگیری‌ها جان باخته‌اند، در حکم «شهید» محسوب شده و خانواده‌های آنان تحت پوشش بنیاد شهید و امور ایثارگران قرار بگیرند. همچنین درباره قربانیانی که در جریان تظاهرات اعتراضی به هر

با FATF است. لایحه پارلمو خرداد سال گذشته در مجلس تصویب شد. در ادامه شورای نگهبان نیز این لایحه را مغایر با شرع و قانون اساسی ندانست. هیئت نظارت مجمع تشخیص اما ایرادهایی به لایحه وارد کرد و به دلیل بررسی‌نگردن ایراد‌های مجمع، لایحه راهی مجمع نشد. علی لاریجانی گفته بود فقط شورای نگهبان می‌تواند به مصوبات مجلس ایراد وارد کند. حالا با گذشت بیش از یک سال، پارلمو در مجمع معلق مانده و درباره آن تصمیم‌گیری نشده است. ایران در کنار کنگو تنها کشورهایی هستند که به این کنوانسیون بین‌المللی نپیوسته‌اند و حالا زمزمه‌های رد آن در مجمع نیز به گوش می‌رسد؛ هرچند در آغاز آرای اعضای مجمع به سمت تصویب پارلمو پیش می‌رفت. لایحه CFT به ایران حمله‌ای نیست و تئوریسم نیز چند ماهی بعد از پارلمو در مجلس تصویب شد. شورای نگهبان این لایحه را رد کرد و به دلیل پافشاری مجلس بر مصوبه خود، لایحه به مجمع تشخیص رفت. CFT هنوز در هیچ‌یک از جلسات مجمع بررسی نشده است و به گفته مسئولان فرایند بررسی آن طولانی و پیچیده خواهد بود. در چنین شرایطی، گروه ویژه اقدام مالی نیز در آخرین اجلاس خود تا بهمن سال جاری به ایران فرصت داده تا لوائح مرتبط را تصویب کند. دولت در این سال‌ها تاکید کرده است که برای تداوم مبادلات بانکی نیازمند تصویب این لوائح است. این موضوع به‌تازگی بستن قرارداد با مربیان خارجی را نیز دچار اختلال کرده است. علیرضا رحیمی، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس، درباره محدودیت تبادل مالی با مری تیم استقلال تهران از قول عراقچی نوشته: «سه نوبت از سه مبدأ تلاش شد طلب آقای استراماچونی به حسابش در ایتالیا واریز شود که هر سه اقدام ناموفق بود و بانک ایتالیایی حسابش شده و طبق ضوابط FATF حساب بانکی وی را به ظن پول‌شویی مسدود کرده است».

علی ربیعی، سخنگوی دولت، بارها گفته که تصویب‌نگردن این لوائح خودتخریمی است.

گزارش

نقش گزارش‌های رسانه‌ای در بررسی صلاحیت نامزدها

● **شرق:** آیت‌الله جنتی در نطق پیش از دستور خود در جلسه دیروز شورای نگهبان با اشاره به ثبت‌نام بیش از ۱۶ هزار نفر برای نامزدی در انتخابات مجلس یازدهم و آغاز فرایند بررسی صلاحیت‌ها توسط هیئت‌های اجرایی تصریح کرد؛ در بررسی صلاحیت‌ها، حق کاندیدها و حق مردم هر دو باید حفظ شود و داوطلبانی که دارای شرایط هستند، در هیئت‌های اجرایی رد صلاحیت نشوند و افرادی که آلوده به فساد یا فاقد شرایط هستند نیز تأیید نشوند. او خطاب به هیئت‌های اجرایی متذکر شد: اگر دقت کافی در بررسی صلاحیت‌ها صورت بگیرد و نسبت به فساد اقتصادی و فساد اخلاقی و ضدیت با حاکمیت، مسامحه‌ای نشود، دیگر شاهد شکایت کمتر داوطلبان به شورای نگهبان در بررسی صلاحیت‌هایشان خواهیم بود. رد صلاحیت افراد فاسد یکی از مهم‌ترین وظایف شورای نگهبان است، زیرا وقتی فردی فاسد راهی بهارستان شود، نفعتها دامنه فساد در مجلس را می‌گستراند که اعتبار و اعتماد به شورای نگهبان را تضعیف می‌کند. ازاین‌رو علاوه بر استعلام از مراجع چهارگانه گزارش‌های مردمی نیز در رابطه با نامزدهای انتخاباتی مورد بررسی قرار می‌گیرد. کدخدایی دراین‌باره گفته است: عملکرد شورای نگهبان در بحث احراز صلاحیت‌ها از نظر شکلی شبیه کار قاضی است. ما مستندات پرونده‌ها را که ممکن است اسناد مراجع رسمی یا حتی سندهای مراجع عمومی و حتی مردمی باشد، بررسی می‌کنیم. ماده ۵۰ قانون انتخابات به تحقیقات محلی اشاره دارد؛ یعنی این ماده در کنار گزارش‌های مراجع چهارگانه، گزارش‌های مردمی را در بحث احراز صلاحیت‌ها مورد تأکید قرار داده است. زمانی، مجلس شورای اسلامی به این ماده ایراد گرفت، شورای نگهبان آن را نپذیرفت و موضوع برای اعلام نظر به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع داده شد، مجمع هم نهایتا نظر شورای نگهبان را پذیرفت، بنابراین ما قانونی نداریم که فقط نظر مراجع چهارگانه در احراز صلاحیت‌ها ملاک باشد.حال سؤال این است که گزارش‌های رسانه‌ها از تخلفات نامزدهایی که در پست‌های مدیریتی سابق خود مرتکب فساد شده‌اند هم قابل بررسی در شورای نگهبان هست یا خیر؟ همان‌گونه که کدخدایی بارها تأکید کرده، ممکن است یک فرد رأی قطعی محکومیت از قوه قضائیه نداشته باشد اما پرونده فساد او چنان باشد که برای شورای نگهبان تخلف او احراز و عدم صلاحیت او صادر نشود؛ بنابراین انتظار این است که براساس اسناد و گزارش‌های اصحاب رسانه در رابطه با فساد برخی مدیران عالی‌رتبه که اگر در زندان نیستند، به‌دلیل رسیدگی‌نگردن به‌موقع به پرونده‌شان است نه پاک‌دستی‌شان، با نگاهی سختگیرانه تصمیم‌گیری شود. به‌هرحال اسناد پرونده فساد برخی از نامزدها که بسیار مشهور هستند، در برخی رسانه‌ها منتشر شده که نادیده‌نگاشتن این اسناد برخلاف سخنان پیشین اعضای شورای نگهبان خود را می‌پوشاند.

خبر

هشدار آیت‌الله جوادی آملی به‌انمه جمعه: گرایش‌های سیاسی‌تان را در حد اشاره هم ابراز نکنید

● **شفقنا:** آیت‌الله جوادی‌آملی در دیدار حجت‌الاسلام حاج علی‌ اکبر، گفت: نماز جمعه سوای از دیگر نمازها، یک صیغه سیاسی نیز دارد و یک عمل سیاسی-عبادی محسوب می‌شود و در اینجا چون سیاست که امری دنیوی است، در کنار نماز قرار گرفته، اگر لحظه‌ای درباره اهمیت نماز جمعه غفلت شود، خطرات فراوانی را در پی خواهد داشت.ایشان تأکید کردند: نماز، عمود دین است. اگر برای این عمود مشکلی پیش بیاید، کل دین آسیب می‌بیند؛ در نتیجه انمه جماعت و جمعه باید هر روز در راستای رشد عمود محکم و سالمی داشته باشد. ناگزیر همه مردم برای پناهربدن از آسیب‌های مختلف به آنجا پناه خواهند برد و حول این عمود و زیر آن خیمه جمع خواهند شد؛ چراکه می‌بینند هرکس به این خیمه آمد، خبر چیز چیزی ندید.او در توصیه‌ای به شورای سیاست‌گذاری انمه جمعه گفتند: از وجود انمه جمعه‌ای که به دلیل کھولت سن، جای خود را به جوانان می‌دهند، باید استفاده شود. آنها وارد عرصه بازرسی شوند، به مناطق مختلف سرکشی کنند، با انمه جمعه جوان دیدار کنند و تجربیات خود را در اختیار آنها بگذارند و در بین انمه جمعه همدلی ایجاد کنند. نکته دیگر این است که اگرچه نماز جمعه یک نماز سیاسی -عبادی است؛ اما این به این معنا نیست که انمه جمعه گرایش‌ها و سلیق سیاسی خود را در نماز جمعه مطرح کند!؛ ابراز این نوع گرایش‌های سیاسی از سوی انمه جمعه حتی در حد اشاره، باعث حضورنایافتن طرفداران جریان مقابل در نماز جمعه می‌شود و در جامعه، ایجاد شقاق و تفرقه می‌کند؛ بنابراین باید انمه جمعه دراین‌باره هوشیار باشند.